

## بررسی تحول معنای واژه «تقوا» با تأکید بر سیر نزول قرآن

f.rahmanpour@gmail.com

m.motia@ltr.ui.ac.ir

کلیه فرهاد رحمان پور / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

مهدی مطیع / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

پذیرش: ۹۸/۶/۱۶

دریافت: ۹۸/۱/۲۱

### چکیده

کتاب لغت، واژه «تقوا» و مشتقات آن را براساس معنای رایج پیش از اسلام، به معنای «حفظ» دانسته و در فهم آن از معنای «خوف» بهره جسته‌اند. این واژه، پیش از اسلام بیشتر کاربردی عادی و غیردینی دارد. در پژوهش حاضر، از پس مطالعه توصیفی - تحلیلی ماده «تقوا» در کتاب لغت و معنای رایج آن در عصر نزول و نیز مطالعه کمی واژه، تغییر و توسعه معنایی آن بر مبنای ترتیب نزول سوره‌های قرآن، مورد بررسی قرار گرفته و روشن شده که کاربرد واژه در قرآن در دوران مدنی اسلام به شکل چشم‌گیری افزایش داشته است. همچنین مشخص گردید که واژه با نگهداشت معنای پیشین خود و هم‌بندی با ایمان و عمل صالح در قرآن، به گونه‌ای توسعه یافته که کل «نظام بندگی و عبودیت پروردگار» بر پایه آن استوار شده، و خط سیر انسان مؤمن تا رسیدن به مقام قرب الهی را ترسیم کرده است.

کلیدواژه‌ها: تقوا، حفظ و صیانت، ترتیب نزول، تحول معنا، توسعه معنا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

در این پژوهش نشان داده می‌شود که معنای رایج ذکرشده در کتب لغت در بسیاری از موارد متناسب با نظام معنایی جدید قرآن نیست. مقاله حاضر با ایده گرفتن از پژوهش دیگری که کوشیده تا الگویی متناسب برای روش‌های دانش معنانشناسی در پژوهش‌های قرآنی، پیشنهاد کند (حسینی و مطیع، ۱۳۹۲) و با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی آن، تعبیر و یا تحول معنای واژه «تقوا» در قرآن را با تمرکز بر ترتیب نزول سوره، مورد واکاوی قرار می‌دهد. اندک پژوهش‌های مشابه دیگری در خصوص تحول واژگان دینی انجام شده که از آن جمله می‌توان به مقاله «تحول معنایی واژه حکمت در حوزه‌های مختلف اسلامی» (شربعتی و پیروزفر، ۱۳۹۱) اشاره کرد. از مهم‌ترین پژوهش‌های دیگر در حوزه معنانشناسی کلمات قرآن می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد: *معنانشناسی عقل و قلب در قرآن* (نراقیان، ۱۳۹۲)؛ *واژه «دین» در قرآن کریم* (تقدیسی، ۱۳۹۲). همچنین در کتاب *خدا و انسان در قرآن* اثر *ایزوتسو* با بررسی کاربرد تقوا در اشعار پیش از اسلام و مقایسه آن با برخی از آیات، معنای جدیدی برای واژه تقوا ارائه شده است. پژوهش پیش‌رو ضمن بهره‌گیری از بررسی‌های *ایزوتسو*، با تأمل در تمامی آیاتی که واژه تقوا و یا مشتقات آن را به کار برده، به بررسی تحول واژه می‌پردازد. توجه و تأکید بر ترتیب نزول قرآن و اثر احتمالی آن بر تحول واژه و همچنین مطالعه کمی در قرآن، از ویژگی‌های مقاله حاضر در مقایسه با دیگر پژوهش‌های مشابه است.

لازم به ذکر است که اگرچه پژوهش پیش‌رو رویکردی معنانشناسانه دارد، اما با توجه به استقلال حوزه پژوهشی قرآن کریم، از تمرکز بر اصطلاحات خاص دانش معنانشناسی و درآمیختن پژوهش با آنها تا حدود زیادی پرهیز شده است.

## ۱. واژه «تقوا» در لغت و اصطلاح

## ۱-۱. تقوا در کتب لغت مقدم

نخستین لغت‌نامه مدون زبان عربی یعنی کتاب *العین* در اواسط قرن دوم هجری، ریشه تقوا را «وقوی» بر وزن فَعَلَى می‌داند که در آن حرف واو به تاء ابدال شده است، اما در خصوص معنای ریشه کلمه، تنها به اشاراتی اکتفا کرده است. از توضیحات نویسنده کتاب استنباط می‌شود که «وقی» به معنای «حفظ» است (و کل ما وقی شیئا فهو وقاء له و وقایة). او همچنین با عبارت «و من عصى الله لم تقه» تقوی

قرآن متنی زبانی است که با بهره‌گیری از واژه‌های رایج در روزگار و جغرافیای نزول به بیان منظور خود اقدام کرده است. اگر جز این می‌بود، نخستین مخاطبان قرآن یعنی مردم مکه و پیرامون آن را توان فهم قرآن نبود و در همان آغاز، غرض از انزال کتب و ارسال رسل نقض می‌گردید. قرآن خود در این خصوص می‌گوید: «و ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلِّسَانٍ قَوْمِهِ لِيُنَبِّئَهُمْ...» (ابراهیم: ۴). زبان هر قوم در بردارنده واژه‌هایی است که بر حسب نیاز و در گذر زمان به وجود آمده و از واژه‌های عادی و خاص، اصلی و عارضی، پرکاربرد و کم‌کاربرد و... تشکیل شده است.

اما یکی از مهم‌ترین رویدادهای زبانی، تطور زبان است. تطور در حوزه واژگان چنین است که معنای واژه‌ای در گذر زمان و یا در انتقال از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و یا در اثر وقایع مهم، دچار تغییر یا تحول شود. برای مثال، خروج تدریجی واژه حج از معنای قصد به معنای انجام مناسک خانه خدا (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۳) و یا تطور واژه‌های دولت و رشید از معنای آن در متون کهن به فارسی معاصر (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۷۳-۷۴).

نکته مهم در بررسی واژه‌های متون کهن از جمله قرآن کریم، توجه به معنای لغت در زمان صدور متن است، نه آنکه معنای شایع و رایج زمان حال را مورد توجه قرار داد (همان، ص ۷۵). در خصوص واژه‌های قرآن نیز توجه به بستر نزول قرآن یعنی جامعه عربی عصر نزول، نقش بسیار مهمی در شناخت واژه دارد، اما این موضوع گاه موجب غفلت از این حقیقت شده که قرآن به عنوان مهم‌ترین مشخصه دین اسلام در همراهی با شخصیت پیامبر ﷺ بستر جدیدی در زبان و فرهنگ به وجود آورده و معیارهای تازه‌ای را در این حوزه بنا نهاده است. برای مثال، قرآن کریم واژه «هدی» را از حالت مادی و عرفی آن خارج کرده و در نظام جدید واژگان خود به آن تعالی بخشیده است. این واژه در دوران جاهلیت به معنای «نشان دادن راه» است و هیچ‌گونه دلالت دینی خاصی ندارد، تا آنجا که «هادی» در آن روزگار به کسی گفته می‌شود که راه‌شناس و راهنمای بیابان است، اما همین واژه در قرآن برای خود خداوند به عنوان هدایت‌کننده قابل اعتماد، مطرح می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۹۵، ص ۱۸۵-۱۸۶).

تأمل در آیات متعددی که واژه «تقوا» یا هریک از مشتقات ریشه آن در آنها به کار رفته، نیز همین ایده را در ذهن تقویت می‌کند که این واژه در نظام معنایی قرآن، مفهوم گسترده‌تری به خود گرفته است.

مگر با ترک آنچه که از آن برحذر داشته شده و تمام نمی‌شود، مگر با ترک بعضی از مباحات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۱).  
اما پس از *راغب اصفهانی*، *ازدی*، کلمه واق در آیه ۳۴ سوره «رعد» را به معنای دافع و «وَقَى» در «وَقَاهُ اللَّهُ» را به معنای حفظ می‌داند. او تقوا در آیه «... هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ» (مدثر: ۵۶) را چنین معنا می‌کند که خداوند اهل آن است که از عقابش تقوا داشت و عملکرد به آنچه که مغفرت او را به همراه دارد (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۳۳۵). به نظر می‌رسد که او تحت تأثیر سخن *راغب* و یا فضای فکری آن روزگار با برداشت مفهوم حفظ و خوف از کلمه تقوا، با اطمینان مسئله عقاب الهی را در فهم این آیه در کنار تقوا مطرح کرده است. به این ترتیب، «خوف» هم به منزله معنایی برای تقوا مطرح می‌شود.

### ۱-۳. تقوا در کتب لغت قرون میانی و متأخر

در قرون میانی نیز معانی ذکر شده برای تقوا، تکرار و تقویت می‌شود. *ابن منظور* تقوا را از ریشه «وقی» و به معنای ستر و حفظ از اذیت می‌داند. او معنای حدیث «فَوَقَى أَحَدَكُمْ وَجْهَهُ النَّارَ» را حفظ وجه از آتش به وسیله طاعت و صدقه می‌داند. *ابن منظور* همچنین در معنای آیه ۵۶ سوره «مدثر»، با اشاره به عقاب الهی، نظر *ازدی* را تکرار می‌کند (*ابن منظور*، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱-۴۰۲). همچنین *فیومی*، ذیل ریشه وقی، با آوردن عبارت «وَقَاهُ اللَّهُ السُّوءَ»، آن را به معنای حفظ می‌داند (*فیومی*، ۱۴۱۴ق، ص ۶۶۹). در این موارد نیز اگرچه تقوا همچنان به معنای حفظ آورده می‌شود، اما همشینی آن با واژه‌های آتش و سوء، مفهوم حفظ از امور منفی را القا می‌کند.

این برداشت از مفهوم تقوا، در قرون متأخر امری چنان رایج است که *زبیدی*، وقی - وقایه را به معنای صیانت و ستر از اذیت و حمایت و حفظ در برابر آن می‌داند و در شرح واژه تقوا با اشاره به آیه ۵۶ سوره «مدثر»، همچون پیشینیان، مسئله عقاب را به میان می‌آورد (*زبیدی*، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۳۰۴-۳۰۵).

در دوران معاصر، مؤلف کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، به اصطلاح‌شناسی واژه تقوا در قرآن و متون اسلامی پرداخته و با نگاهی به مراحل چهارگانه سلوک بر مبنای آیه ۹۲ سوره «مائده»، برای «اتقاء» مراتبی قائل می‌شود که عبارتند از: حفظ نفس از خلاف عملی و اخلاقی، مجاهده برای رفع انانیت، حفظ نفس در آمادگی به خدمت و عمل به وظایف الهی. او معنای «حفظ» را برای این واژه در همه مراتب ایمان جاری می‌داند (*مصطفوی*، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۸۶).

را در برابر عصیان آورده است (*فراهیدی*، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۸).  
*ابن‌درید* (۳۲۱ق)، جمله‌ای از یک اعرابی را نقل می‌کند که گفت: تاجر و مال او در هلاک هستند، الا ما وقی الله؛ مگر آنچه را که خدا حفظ کند (*ابن‌درید*، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۴۰۷). *زهری* (۳۷۰دق)، کلمه واق در آیه «... وَ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (رعد: ۳۴) را به معنای دافع دانسته است. او نیز تقوا را بر وزن فَعَلَى از فعل وَقَّيْتُ می‌داند که هنگام مفتوح شدن، واو به تاء بدل شده است. در نگاه او شخص تقی کسی است که موقّ نفس خود از معاصی است (*زهری*، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۲۷۹). به روشنی، موقّ در اینجا به معنای حفظ‌کننده و نگهدارنده است.

*صاحب‌بن عباد* (۳۸۵ق)، با پذیرش ضمنی معنای «حفظ» برای ریشه «وقی»، به مثالی می‌پردازد که فعل «وقی» در معنای حفظ و شکسته‌بندی استخوان به کار رفته است: وَ وَقَى الْعَظْمُ يَقِي وَ قِيًّا أَى وَعَى وَ أَنْجَبَ (صاحب‌بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۶۹).

*ابن فارس* (۳۹۵ق)، «وقی» را کلمه‌ای می‌داند که دلالت دارد بر دفع یک شیء از شیء دیگر به وسیله غیر خودش. او عبارت «اتَّقِ اللَّهَ» را به این معنا می‌داند که بین خودت و خدا وقایه‌ای قرار بده. وی با استفاده از حدیث نبوی «اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ» این معنی را تقویت می‌کند (*ابن فارس*، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۳۱). به این ترتیب *ابن فارس*، ریشه کلمه تقوا را دفع دانسته است. همشینی واژه تقوا با کلمه نار، به طور ضمنی دفع امور منفی و آزاردهنده را به نظر می‌آورد.

### ۱-۲. تقوا در نظر راغب اصفهانی

لغت‌شناسان متقدم، با در نظر گرفتن کاربردهای رایج واژه تقوا و ریشه و مشتقات آن، معنای «حفظ» را برای آن برگزیده و شواهد مرتبطی را ذکر کرده‌اند، اما با توجه به پرکاربرد بودن این واژه در قرآن کریم و فرهنگ مبتنی بر آن، رفته‌رفته معنای اصطلاحی آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. *راغب اصفهانی* ذیل ریشه «وقی» می‌گوید: وقایه، حفظ شیء از چیزی است که آن را اذیت می‌کند و به آن ضرر می‌رساند. او آن‌گاه با اشاره به برخی از آیات قرآن، حقیقت تقوا را حفظ خود از آنچه موجب خوف می‌شود، معنا می‌کند. از نگاه او خوف، مرحله‌ای از تقوا است، و اضافه می‌کند که به سبب تسمیه مقتضای هر شیء به مقتضی آن و برعکس، تقوی را خوف نام نهاده‌اند. او معنای تقوا را در شرع، «حفظ نفس از آنچه که او را به گناه وامی‌دارد»، می‌داند. این تقوا برای نفس حاصل نمی‌شود،

#### ۱-۴. تقوا در ترجمه‌های فارسی

باید پیش از رسیدن آن چیز و آزار رساندن آن را متوقف سازد. بنابراین میان خود و آن شیء (B) چیزی (C) را که چندان نیرومند باشد که پیشروی آن شیء را متوقف کند، قرار می‌دهد. او معتقد است که همه مثال‌های بیش از اسلامی این فعل را می‌توان با همین فرمول تفسیر کرد و برای این ادعا مثال‌هایی از اشعار جاهلی می‌آورد (همان، ص ۳۰۴-۳۰۶). نمونه‌ای از آن، بی‌تی از مُعلقه عَنتره است:

إِنْ يَتَّقُونَ بِي الْأَسِنَّةَ لِمَ أَحْمِ عَنهَا وَلَكِنِّي تَضَائِقَ مَقْدَمِي؛  
هنگامی که دوستانم مرا میان خودشان و سرنیزه‌های دشمنان قرار می‌دهند تا خود را در پشت سر من حفظ کنند، من شانه خالی نمی‌کنم، ولی جای پای من تنگ می‌شود.

آنچه که/یزوتسو از کاربرد واژه تقوا در اشعار جاهلی می‌گوید، در واقع بیان ملموس‌تری از برداشت/بن‌فارس است. پیش‌تر بیان شد که در نظر/بن‌فارس، «وَقَى» دلالت دارد بر دفع یک شیء از شیء دیگر به وسیله غیر خودش (بن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶ ص ۱۳۱)./یزوتسو همین معنایی که به تعبیر او طبیعی و غیرروحانی است را در آیه ۲۴ سوره «زمر»، جالب توجه می‌داند: «أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...». از نظر او لازمه این گفته آن است که در روز قیامت دست‌هایی که معمولاً برای دفاع به کار می‌رود، چنان بسته شوند که شخص برای حفظ کردن خود در مقابل عذاب، به ناچار از چهره خود استفاده کند (یزوتسو، ۱۳۹۵، ص ۳۰۷). همچنین از نگاه او تقوا نتیجه فوری تصدیق آیات انتقام، عقاب، عذاب، سخط و... است (همان، ص ۱۷۴). بنابراین می‌توان گفت که در نگاه/یزوتسو نیز دست‌کم مرتبه‌ای از تقوا، پاسخی به خوف از انتقام و عذاب الهی بوده است.

در واقع،/یزوتسو معتقد است که پیش از اسلام واژه تقوا در عرف عام به معنای دینی به کار نمی‌رفته است، اما این موضوع استثناء مهمی داشته و آن محفل خاص حنفیان و کسانی است که چون زُهریربن‌ابی‌سَلْمی تحت نفوذ اندیشه دینی یهود بوده‌اند. او بر این باور است که پیش از اسلام، کلمه «مَتَّقِي» در گفتمان یکتاپرستانه، معادل «مؤمن خداترس و پرهیزگار» به کار رفته است (همان، ص ۳۰۴).

از آنجاکه ریشه فعل «وَقَى» در اصل به زبان عبری نسبت داده شده و در آن زبان به معنای «پرهیزکاری و ملازم تکالیف دینی خود بودن»، بوده است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۹۹۱)، می‌توان نظر/یزوتسو مبنی بر وجود یک معنای دینی ضمنی برای تقوا را که به گفتمان‌های مذهبی و توحیدی تعلق داشته، پذیرفت./یزوتسو به شواهدی از شعر جاهلی برای اثبات این مدعی استناد می‌کند که

ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، در موارد متعدد برای واژه تقوا ترجمه‌ای ارائه نکرده و به جهت کثرت کاربرد، معنای آن را مفروض دانسته و همان واژه تقوا را جایگزین کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک: ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، انصاریان، حجتی و مشکینی را ذیل عبارت «تَقْوَى الْقُلُوب» در آیه ۳۲ سوره حج)، اما از رایج‌ترین معادل‌های فارسی واژه تقوا که از گذشته مورد استفاده ترجمه‌کنندگان قرآن کریم بوده، «پرهیزکاری» است./ابوالفتوح رازی عبارت «پرهیزکاری دل‌ها» را برای ترجمه «تَقْوَى الْقُلُوب» برگزیده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۳۲۵؛ همچنین ر.ک: ترجمه‌های آیتی، پاینده و گرم‌رودی را ذیل حج: ۳۲). روشن است که واژه «پرهیز»، برگرفته از مفاهیم حفظ و صیانت بوده است، اما این واژه نیز به طور کامل کارگشای مترجمان نبوده و در مواردی آنان به واژه‌های ترس و پروا عدول کرده‌اند. رازی، عبارت «هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى» را به «او اهل و سزاوار آن است که از او ترسند»، ترجمه می‌کند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۴۰؛ همچنین ر.ک: ترجمه‌های آیتی، فولادوند و مشکینی را ذیل مدثر: ۵۶).

بنابراین همان‌طور که بیان شد، برداشت رایج کتب لغت از واژه تقوا و ریشه آن یعنی «وقی»، مفاهیمی همچون حفظ و صیانت بوده است. اگرچه کتب لغت متقدم همچون العین و المحيط فی اللغة به ذکر کلمه «حفظ» تصریح نداشته‌اند، اما با گذشت زمان واژه‌های «حفظ»، «صیانت» و یا «ستر» به عنوان واژه‌های هم‌معنای تقوا شناخته و تثبیت شده‌اند. در زبان فارسی نیز تقوا بیشتر به پرهیز و پروا شناخته و ترجمه شده است. در این میان به نظر می‌رسد که در میان علمای لغت و اصطلاح، راعب/صفهانی نخستین کسی است که مفهوم خوف را از کلمه تقوا برداشت کرده است.

#### ۲. معنای «تقوا» بر مبنای تحقیقات ایزوتسو

توشیهیکو/یزوتسو، زبان‌شناس و قرآن‌پژوه ژاپنی، به منظور فهم واژه تقوا در قرآن، کوشیده تا معنای آن را از برون متن قرآن به‌ویژه از اشعار جاهلی دریابد. براین‌مبنای پس از بررسی کاربردهای واژه «تقوا» را در دوران جاهلیت به معنای «ایستار دفاعی موجود زنده در برابر نیروی خارجی مخرب» دانسته است (یزوتسو، ۱۳۹۵، ص ۴۶). او در تشریح واژه آتقاء چنین می‌گوید: «انسانی (A) چیزی (B) را مشاهده می‌کند که در حال آمدن به جانب اوست. وی دوست ندارد که آن چیز به او برسد؛

شده است. این واژه به صورت فعل ثلاثی مجرد (مانند: وقانا) ۸ بار و به صورت فعل ثلاثی مزید، فقط در باب افتعال و متعدی به یک مفعول، ۱۶۶ بار به کار رفته است (مانند: إتقوا الله). مشتقات اسمی واژه نیز به صورت مصدر، اسم مصدر، اسم فاعل، اسم تفضیل و صیغه مبالغه در قرآن به کار رفته است. خود واژه «تقوا» نیز در مجموع ۱۵ بار در قرآن به کار رفته است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: عبدالباقی، ۱۴۲۵ق، ص ۹۰۸-۹۱۱). براساس روایت ترتیب نزول ابن عباس (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۸) و نظر مشهور در خصوص مکی و مدنی بودن سوره، که سورهایی را که قبل از هجرت نازل شده مکی می‌داند (همان، ج ۱، ص ۱۳۱)؛ ۸۶ سوره قرآن مکی، و ۲۸ سوره دیگر مدنی هستند. بر این مبنای براساس شمارش این پژوهش، از ۲۵۸ مورد استعمال واژه در قرآن، ۱۱۱ مورد آن مکی و ۱۴۷ مورد دیگر، مدنی است.

با در نظر گرفتن این موضوع که طول دوران پیش از هجرت، حدود ۱۳ سال و پس از آن حدود ۱۰ سال بوده است، با تقسیم تعداد نزول واژه تقوا و مشتقات آن در هر دوره به عدد سال‌های مکی یا مدنی، متوسط تعداد نزول واژه در سال، در دوره مکی ۸/۵ و در دوره مدنی ۱۴/۷ به دست می‌آید. به عبارت دیگر، نزول واژه در دوران مدنی، بیش از هفتاد درصد افزایش داشته است.

افزایش معنادار تکرار واژه، پس از هجرت که دوران شکل‌گیری و توسعه جامعه اسلامی است، از پررنگ‌تر شدن تدریجی نقش آن در جامعه و فرهنگ مبتنی بر قرآن خبر می‌دهد. نکته دیگر اینکه قریب به نیمی از کاربردهای مدنی واژه (۶۵ مورد)، تنها در سه سوره «بقره»، «مائده» و «توبه» بوده است. براساس فهرست ابن عباس، سوره «بقره» نخستین سوره مدنی و مربوط به دوران شکل‌گیری تمدن اسلامی و دو سوره دیگر متعلق به آخرین سال‌های نزول قرآن در مدینه است. از این موضوع می‌توان به نقش و اهمیت واژه در شکل‌گیری و بقاء تمدن و اندیشه اسلامی پی برد. مؤید این موضوع، به کار رفتن واژه در ۲۶ سوره از کل ۲۸ سوره مدنی است. به این ترتیب، بی‌تردید واژه تقوا و مشتقات آن در دوران مدنی نقش مهمی‌تری در نظام واژگان قرآن و در پی آن در جامعه اسلامی داشته است و احتمال تحول واژه را که در ادامه، مورد بررسی قرار می‌گیرد، تقویت می‌کند.

۴. بررسی تحول معنای «تقوا» در سیر نزول قرآن  
همان‌گونه که بیان شد، واژه تقوا در کتب لغت به معنای «حفظ» و

مهم‌ترین آنها بی‌تی از زُهِیر است (ایزوتسو، ۱۳۹۵، ص ۳۰۴). تقوا در بیت زُهِیر، صفت و طبیعت فردی دانسته می‌شود که خدا (صله) رحم او را از بدی حفظ می‌کنند. چنین کاربردی برای واژه تقوا در شعر جاهلی، تنها محدود به شواهد/یزوتسو در کتاب خدا/انسان در قرآن نیست. در همان دوران، بجز از زُهِیر در ابیات شاعران دیگری نیز واژه تقوا در معنای مؤمنانه آن به کار می‌رود و به این ترتیب، می‌توان کاربرد واژه تقوا را از محافل حنفیان و اشخاص تحت تأثیر دین یهود، به گفتمان‌های مؤمنانه یا عرف خاص، توسعه داد:

بدا لی أن الله حقٌّ فزادنی الی الحقِّ، تقوی الله، ماکان بادیا؛  
بر من آشکار گشت که الله حق است، پس تقوای او باور به آغازگری و پایان بخشی خداوند را در من افزود (زُهِیر، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴۰).

انَّ تقوی ربِّنا خیرٌ نَفَلٌ و باذن الله ربِّشی و عَجَلٌ؛  
همانا تقوای خداوندگار ما بهترین سود و بهره است و هرگونه درنگ و شتاب من به اذن الله است (لبید، ۱۴۲۵ق، ص ۹۰).

در نهایت، یزوتسو براساس آیاتی چون نخستین آیات سوره «بقره» و آیه ۱۳۱ سوره «مائده»، معتقد است که قرآن با حفظ ساخت صوری و شکلی کلمه تقوا، این واژه را جنبه‌ای روحانی‌تر بخشیده، تا اینکه با گذشت زمان، رنگ اخروی واژه محوتر شده و ارتباط خود را با تصویر روز حساب و هول و هراس، از دست می‌دهد و به کلمه‌ای هم‌معنا با واژه‌های «زهد» و «ورع» تبدیل می‌شود. وی می‌افزاید: در این مرحله تقوا با تصور «ترس و خوف» یا اصلاً ارتباطی ندارد؛ یا اگر دارد، بسیار اندک است (ایزوتسو، ۱۳۹۵، ص ۳۰۹ و ۳۱۰). در مجموع او بر این باور است که واژه تقوا در دایره مفاهیم جدید اسلامی و تحت تأثیر سایر واژه‌های قرآن معنای جدیدی یافته است. به طوری که از معنای ابتدایی «حفظ و خوف» به معنایی هم‌تراز با اسلام و ایمان ترقی کرده و «مُتَّقِی» در این نظام نوین معنایی، در مقابل کافر و هم معنای «مؤمن» است.

### ۳. بسامد ماده «تقوا» در قرآن

از آنجاکه مطالعه کمی به‌ویژه بسامد یا تکرار واژه در متن، خود روشی برای مطالعه تحول زبانی است (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۳۱۳)، به منظور بررسی تحول واژه مورد بحث، در ادامه به بررسی و تحلیل‌هایی بر این مبنای پرداخته می‌شود.

بر مبنای شمارش، ریشه «وقی» و مشتقات آن در مجموع ۲۵۸ بار و به ۳۴ گونه اسمی و فعلی در ۶۳ سوره قرآن کریم استعمال

الْأَنْهَارُ أَكْلَهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا تَلْكَ عَقَبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ عَقَبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ» (رعد: ۳۵)، معنای مُتَّقُونَ معلوم دانسته شده و براین اساس بهشت به ایشان وعده داده می‌شود. در مقابل در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶)، می‌توان به روشنی بر اساس معنای واژه در عبارت و سیاق آیه، مفهوم «حفظ» و «مراقبت» در برابر آتش را از واژه «قوا» برداشت کرد.

#### ۴-۱. بررسی تغییر معنایی

برخی از واژگان پس از ورود به قرآن دچار تغییر معنایی شده و متفاوت با معنای رایج و متعارف پیشین، به حیات خود ادامه داده‌اند. واژه کفر از این گروه واژگان است؛ چراکه از معنای خاص «ناسپاسی کردن» و «ناسپاس بودن»، کلمه جدیدی با معنای «بی‌ایمانی» پدیدار شده است (ایزوتسو، ۱۳۹۵، ص ۱۷-۱۹). با این فرض، در این بخش امکان تغییر معنای واژه تقوا در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر مبنای فهرست ابن عباس نخستین کاربرد واژه تقوا در آیه ۱۲ سوره «علق» بوده است: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى، عَبْدًا إِذَا صَلَّى أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى، أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى، أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى» (علق: ۱۱-۱۳). با توجه به همشینی واژه تقوا با کلمات هُدى، کذب و روی برگرداندن (تَوَلَّى)، تقوای مورد نظر در این آیات معنایی عمیق‌تر از معنای «حفظ» و یا «دفع» را شامل می‌شود. تقوا در این آیات همراه با واژه هُدى و در تقابل با کذب و تَوَلَّى آمده است. در اینجا به آسانی می‌توان همان معنای خاصی که طبق نظر ایزوتسو، پیش از نزول قرآن در محافل حنفی و یکتاپرست و به تعبیر بهتر، در گفتمان مؤمنانه وجود داشته است را برای تقوا پذیرفت. از این رو، گرچه در این آیات معنای روزمره و غیردینی واژه مطرح نیست، تحولی هم در معنای آن رخ نداده است. گویی در نخستین پاره‌های نزول، معنای آن در عرف خاص، معلوم دانسته شده و در این مرحله چیزی بر آن افزوده نمی‌گردد.

پس از سوره «علق»، واژه تقوا در آیه ۳۴ سوره «قلم» به صورت اسم فاعل به کار رفته است: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ». واژه در این آیه نیز مشابه سوره «علق» در معنای مؤمنانه آن و همپای واژه «مُسلِم» به کار رفته است. متقی در اینجا مسلم (تسلیم شده) است و در برابر واژه «مجرم» قرار می‌گیرد.

براساس فهرست ترتیب نزول، پس از دو مورد فوق نوبت به سوره‌های «مزل» و «مدثر» می‌رسد، که واژه در هر کدام یک بار به کار رفته است. تقوا در آیه ۱۷ سوره «مزل» براساس سیاق آیات

«منع» آمده و با مفهوم خوف و پروا درآمیخته است. اما در نگاه ایزوتسو این واژه بعد از اسلام تحول یافته و از معنای حفظ در دوران جاهلی به معنای دینی «زهد و ورع» رسیده است. اکنون سؤال اینجاست که آیا این واژه به ناگهان و با نزول نخستین آیات واجد کلمه تقوا و یا مشتقات «وقی» تحول یافته، یا اینکه به آرامی و در طول سال‌های نزول متحول شده است؟ به عبارت دیگر، آیا این واژه معنای اصلی و نخستین خود را در قرآن از دست داده است؟ و یا اینکه با حفظ آن معنا، حمل‌کننده معنا یا معانی جدیدتری شده است؟ و به بیان معناشناسانه، آیا این واژه در فرایند تحول معنایی وارد شده است یا خیر؟ اگر پاسخ آری است؛ آیا این تحول در کدام یک از صورت‌های سه‌گانه توسعه، تغییر و یا تخصیص معنایی (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵) رخ داده است؟

پاسخ گفتن به این پرسش‌ها نیازمند دانستن سیر یا ترتیب نزول آیاتی است که مشتقات کلمه «وقی» در آن به کار رفته است. در ادامه بر اساس مشهورترین فهرست ترتیب نزول، یعنی فهرست روایت ابن عباس و تکمیل آن براساس روایت جابربن زید و دیگران، که قرن‌ها مورد وثوق علمای فن بوده است (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۵۶؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۳)، موضوع تحول واژه در جریان نزول قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی آیاتی که در آنها واژه تقوا یا هریک از مشتقات آن به کار رفته، نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، معنای واژه در متن معلوم دانسته شده است و از این رو، به سختی می‌توان از ظاهر این آیات، معنایی برای واژه تقوا به دست آورد، اما در شمار زیادی از آیات با بهره‌گیری از برخی از مؤلفه‌های معنایی که مشخص‌کننده معنای واژه در متن هستند؛ مانند: حس فرامتن (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حسینی و مطیع، ۱۳۹۲، ص ۸۸-۸۹)، سیاق یا بافت و روابط جانشینی و همشینی (ر.ک: همان، ص ۱۰۶)، می‌توان معنای واژه را در درون متن و سیر تحول معنایی آن را دریافت کرد.

برای مثال، در آیه «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا» (مریم: ۶۳)، براساس مؤلفه‌های چهارگانه ذکرشده، نمی‌توان معنای روشنی را برای واژه تقوا دریافت؛ جز اینکه بهشت را جایگاهی دانست که به بندگان باتقوا خواهد رسید. در واقع، در این آیه رابطه میان واژگان، چنین ترسیم می‌شود که بهشت، پاداش بندگانی است که باتقوا هستند، بدون آنکه معنای مشخصی از تقوا در اختیار گذاشته شود. همچنین در آیه «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۴). ابن معنای در آیه ۱۶ سوره «زمر» که قبل از «بقره» نازل شده و همچنین در سوره‌های (انفال: ۲۵؛ حشر: ۷؛ نور: ۵۲) که بعد از «بقره» و در مدینه نازل شده‌اند، همچنان مشهود است. در آیات نخستین سوره «مائده» نیز که براساس فهرست نزول/بن عباس، سوره ماقبل آخر است، همراهی و همشینی واژه با صفات «شَدِيدُ الْعِقَابِ» و «سَرِيعُ الْحِسَابِ» و بافت تحذیری آیات، همان معنای عرفی پیش از نزول قرآن را برای کلمه تقوا تداعی می‌کند.

به این ترتیب، اطمینان به دست می‌آید که واژه تقوا معنای عرفی پیش از نزول قرآن را تا پایان فرایند نزول در نظام معنایی قرآن، حفظ کرده است. اکنون با این پرسش روبه‌رو هستیم که آیا باید معنای تقوا را تنها در حوزه معنایی لغاتی همچون حفظ، صیانت، دفع، خوف و نظایر آن خلاصه کرد و حداکثر آن را در معنای مبهم مؤمنانه قبل از نزول محدود دانست، و یا اینکه واژه در کنار معنای قدیمی خود، توسعه معنایی نیز داشته و در فرهنگ تازه تأسیس اسلامی جایگاه جدیدی یافته است.

بررسی بسیاری از آیاتی که واژه تقوا در آنها به کار رفته است، برای این واژه مفاهیم عالی تری از «حفظ» و «صیانت» و به‌ویژه «خوف» را تداعی می‌کند. برای مثال، در آیه ۱۸۹ سوره «بقره»، تقوا در همشینی با واژه «بِر» و در تبیین آن به کار می‌رود: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى» و در جایی دیگر با «وفای به عهد» همشینی گردیده است (آل عمران: ۷۶) و یا در همراهی با «صبر»، «احسان» و «صلاح» مورد توصیه قرار می‌گیرد (به ترتیب: آل عمران: ۱۲۰ و ۱۸۶؛ نساء: ۱۲۸ و ۲۱۹). این موارد همه خبر از آن می‌دهد که ما با معنایی بسیار فراتر از «پرهیز» و «ترس» روبه‌رو هستیم، و حتی معنای مورد نظر/یزوتسو برای واژه «متقی» یعنی «مسلم» و یا «مؤمن» (یزوتسو، ۱۳۹۵، ص ۳۱۰) نیز نمی‌تواند به درستی واژه را تبیین کند؛ چراکه متقی در کاربرد جدید خود، کسی است که به مقام اختصاصی ولی الهی، دست یافته است: «إِنْ أُولَآئِهِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ» (انفال: ۳۴).

تقوا در آیات متعددی در سیاق و یا در همشینی با کلمات دیگر به گونه‌ای ظاهر می‌شود که هرگونه تردید را در خصوص معنای جدید خود در نظام واژگان قرآن از بین می‌برد. آنچه که در این تحول اتفاق افتاده تنها این نیست که قرآن با حفظ معنای قبلی واژه، معنایی جدید به آن داده باشد، بلکه واژه را در فرهنگ اسلامی و ایمانی، آنچنان تعالی بخشیده که بتواند با جانی تازه در نظام نو بنیاد

قبل و همشینی با عبارت «يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا»، معنای «حفظ» را تداعی می‌کند، درحالی که می‌توان نوعی بیم و خوف را نیز از سیاق و حس آیه برداشت کرد. همچنین در آیات ۵۳-۵۶ سوره «مدثر»: «كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ، كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ، فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ، وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَعْفِرَةِ» سیاق آیات به‌ویژه با ذکر کلمه «لَا يَخَافُونَ» و آن‌گاه ورود به موضوع تذکر و پند گرفتن، می‌تواند القاکننده معنای حفظ همراه با حس خوف باشد.

همچنین ریشه «وقی» در اشکال مختلف صرفی آن در آیات متعددی در بافت و همشینی با کلماتی است که تداعی‌کننده مفهوم حفظ و خوف هستند. برای نمونه، می‌توان به آیات زیر استناد کرد: «... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره: ۱۹۶)؛ «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره: ۲۰۱)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶)؛ «... وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (مائده: ۴).

به این ترتیب از یک‌سو، تقوا در نخستین پاره‌های نزول دارای معنای خاص مؤمنانه مورد نظر/یزوتسو است و از سوی دیگر، حتی تا آخرین سوره‌های نازل شده، مانند «مائده» نیز همچنان معنای عام و رایج خود یعنی «حفظ و خوف» را نگه داشته است. بنابراین تا به اینجا مشخص می‌شود که این واژه در سیر نزول با تغییر معنا روبه‌رو نبوده است.

## ۲-۴. بررسی توسعه معنایی

مقصود از توسعه معنایی، گسترش مفهوم یک واژه است، به شکلی که به چندمعنایی آن بیانجامد و سبب شود تا آن واژه، واحدی در حوزه معنایی دیگری نیز به حساب آید (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵). به بیان دیگر، در بررسی تحولات کیفی واژه، گاهی با نوعی از تغییر در معنا مواجه هستیم که در عین حال که معنای قبلی واژه همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد، معنای جدیدی نیز یافته است (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۱). برای مثال، قرآن واژه‌های عادی و عامیانه نور و ظلمت (تاریکی) را به گونه‌ای تعریف می‌کند که فقط شامل زندگی مادی نمی‌شود و حیات معنوی را نیز دربر می‌گیرد (حسینی و مطیع، ۱۳۹۲، ص ۹۸).

همان‌گونه که در بخش قبل شواهدی ارائه گردید، واژه تقوا در سراسر قرآن گاه در معنای حفظ و خوف ظاهر شده است. آیات متعددی از سوره «بقره» که نخستین سوره مدنی است و به تقریب در میانه جریان نزول قرآن، نازل شده، به‌روشنی واژه تقوا را در معنای حفظ و خوف به کار برده است (برای نمونه، «... فَأَتَقُوا النَّارَ

تعالیم قرآن، بار مفاهیم بسیار عالی تری را به دوش بکشد. بی تردید افزایش کمیت نزول واژه در دوران مدنی، که پیش تر بیان شد، به همین نقش و وظیفه جدید واژه تقوا بازمی گردد.

بر همین مبنا، حتی نوع همنشینی واژه نیز به تناسب با معنای جدید آن تغییر می یابد. در سوره مکی «زمر»، شخص متقی اهل سخن صدق و تصدیق است: «وَأَلَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (زمر: ۳۹)، این صدق و تصدیق براساس سیاق آیه قبل در مقابل کذب و تکذب آمده است: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ...» (زمر: ۳۸)، اما با توجه ترتیب نزول، چندی بعد در سوره «بقره»، دوباره تقوا و صدق هم نشین می شوند: «... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷). نکته قابل توجه این است که در اینجا دیگر صدق، واژه ای در برابر کذب نیست، بلکه با مفاهیمی چون پر، ایتاء مال، اقامه نماز و وفای به عهد تبیین شده و آن گاه به واژه مُتَّقُونَ، پیوند خورده و بدین سان متقی در این آیه مفهومی متعالی یافته است. این معنای نوپدید تا به آنجا گسترش و به تعبیر بهتر تعالی می یابد که تقوا در یکی از تنزیل های بعدی به معیاری برای کرامت یافتن انسان، نزد پروردگار تبدیل می شود: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).

یکی از کاربردهای مهم واژه، آنجایی است که قرآن از مؤمنان می خواهد که تقوا داشته باشند، آن گونه که حق تقوای الهی است و نمیرند، مگر اینکه مسلم باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۰۲). به کمک مؤلفه های معنایی واژه تقوا در آیه شریفه از نظر همبندی آن با «الله»، «مؤمنان» و «حق» و بافت آیات قبل و بعد که حرکت در صراط مستقیم و اعتصام به جبل الله را به تصویر می کشد، می توان دریافت که تقوا در اینجا در معنای پروا و حفظ، ظاهر نشده، بلکه بر معنای توسعه یافته ای دلالت دارد که در نظام توحیدی قرآن شکل گرفته است. پس از امر به ادای حق تقوا در این آیه، در آیات بعد موضوع پرهیز از تفرقه و امر به معروف و نهی از منکر به میان می آید تا نقش معنای متعالی تقوا در نظام بندگی آشکارتر گردد. به این ترتیب، واژه در سوره مدنی «آل عمران»، مرحله مهمی از سیر تکامل معنایی خویش را سپری می کند. اگرچه در یکی از تنزیل های بعدی با درجه ای تخفیف، شاید به حکم «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»، توصیه به تقوا به قدر استطاعت تنزل می یابد که نشان از لطف بیکران الهی به بندگان است (تعبان: ۱۶)، اما همچنان با فاصله داشتن از معنای اولیه، مرتبه ای از معنای

نوپدید خود را به ظهور می رساند.

توسعه معنایی واژه تقوا را در سوره «مائده» که براساس فهرست ابن عباس سوره ماقبل آخر است و بر مبنای برخی از تحقیقات، احتمال آخرین سوره بودن آن تقویت شده است (کلباسی و احمدنژاد، ۱۳۹۴، ص ۸۶)، به نحو واضح تری می توان دریافت. با توجه به اینکه آخرین کاربرد واژه تقوا در سوره «مائده» بوده است، انتظار می رود که در این سوره با معنای کاملی از تقوا، مواجه شویم. دست کم این انتظار در آیه ۹۳ با اشاره به سه مرحله از تقوا، پاسخ داده شده است: «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَ آمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده: ۹۳). تقوا در این آیه از همراهی با ایمان و عمل صالح آغاز می گردد و با کامل شدن ایمان در مرحله بعد، وارد مرتبه همراهی با احسان می شود و در نهایت، حب الهی را به همراه دارد. همچنین در دیگر سوره پایانی قرآن یعنی سوره «توبه»، در جریان مسجد ضرار، تقوا به عنوان یک بنیان و اساس اجتماعی مطرح می شود، بنیانی که محبت و رضای الهی را به همراه دارد (توبه: ۱۰۸ و ۱۰۹) و در نظام نوین قرآنی، بسی فراتر از واژه های حفظ، منع، خوف و حتی زهد معنا می یابد.

### نتیجه گیری

در این پژوهش مشخص گردید واژه تقوا و مشتقات فعلی و اسمی ریشه «وقی» در کتب لغت به کمک واژه های «حفظ» و «خوف» و مترادفات آنها و در زبان فارسی به «پرهیز» و «پروا» معنا شده، و این معنا به لحاظ مفهومی ریشه در کاربرد آن در دوران پیش از نزول قرآن دارد. هرچند ماده «تقوا» در ادبیات قبل از نزول قرآن در معنای خوف و پروا از خداوند نیز به کار رفته است، با این همه در زبان قرآن مفهوم آن در گفتمان توحیدی به گونه ای توسعه و تعالی یافته که کل «نظام بندگی و عبودیت پروردگار» بر آن استوار شده است و مفاهیم ایمان، عمل صالح، احسان و سیر انسان مؤمن تا رسیدن به قرب الهی را نیز تداعی می کند. بنابراین ماده تقوا در فرایند نزول قرآن از نظر بسامد با افزایش کاربرد همراه بوده است؛ ولی تغییر یا دگرگونی معنایی در آن رخ نداده و معنای پیشین قرآنی خود را تا انتهای نزول قرآن حفظ کرده است.

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۲، *تاریخ قرآن*، چ پنجم، تهران، سمت.  
 —، ۱۴۱۵ق، *التمهید فی علوم القرآن*، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.  
 نراقیان، مینو، ۱۳۹۲، *معنائشناسی عقل و قلب در قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

## .....منابع

- ابن درید، محمدبن حسن، ۱۹۸۸م، *جمهرة اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.  
 ابن فارس، احمدبن فارس، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.  
 ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، چ سوم، بیروت، دارالفکر.  
 ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان*، تصحیح محمدمهدی ناصح و محمدجعفر یاققی، مشهد: آستان قدس رضوی.  
 ازدی، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۷، *کتاب الماء*، تصحیح محمدمهدی اصفهانی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.  
 ازهری، محمدبن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.  
 ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۹۵، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، چ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.  
 پاکتچی، احمد، ۱۳۹۱، *نقد متن*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).  
 تقدیسی، محمدمهدی، ۱۳۹۲، *واژه «دین» در قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).  
 حسینی، اعظم‌السادات و مهدی مطیع، ۱۳۹۲، «پیشنهاد الگویی بر متناسب‌سازی روش‌های معنائشناسی در مطالعات قرآنی»، *کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم*، ش ۳، ص ۱۰۸-۸۳.  
 راغب اصفهانی، حسین بن احمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی الفاظ القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالقلم.  
 زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر.  
 زهیرین ابی‌سلمی، ۱۴۰۸ق، *دیوان*، شرح علی حسن فاعور، بیروت، دارالکتب العلمیه.  
 شریعتی، فهیمه و سهیلا پیروزفر، ۱۳۹۱، «تحول معنایی واژه حکمت در حوزه‌های مختلف اسلامی»، *سراج منیر*، ش ۷، ص ۱۲۲-۹۶.  
 صاحب، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، تصحیح محمدحسن آل یاسین، بیروت، عالم‌الکتاب.  
 صفوی، کوروش، ۱۳۸۲، *معنی‌شناسی کاربردی*، تهران، همشهری.  
 طباطبایی، سیدمحمد کاظم، ۱۳۹۳، *منطق فهم حدیث*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).  
 عبدالباقی، محمدفؤاد، ۱۴۲۵ق، *المعجم المفهرس*، چ نهم، قم، نوید اسلام.  
 فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.  
 فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چ دوم، قم، دارالهجره.  
 کلباسی، زهرا و امیر احمدنژاد، ۱۳۹۴، «آخرین سوره؛ مائده یا توبه»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷۶، ص ۱۱۱-۸۶.  
 لیبیدن ربیعہ، ۱۴۲۵ق، *دیوان*، تحقیق احمد طماس، بیروت، دارالمعرفه.  
 مشکور، محمدجواد، ۱۳۷۵، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.  
 مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت